

## فهرست

پیشگفتار .....	هفت
ابی گرنج .....	۱
رنگ‌ساز بازنشسته .....	۳۳
عمارت قدیمی شاسکوم .....	۵۵
مستأجر برقع‌پوش .....	۸۱
موکل سرشناس .....	۹۷
سرباز رنگ‌پریده .....	۱۳۳
یال شیر .....	۱۶۱



## پیشگفتار

داستان‌هایی که سِر آر تور کسانن دوویل تحت عنوان کلی "شرلوک هولمز" نوشته شامل چهار داستان بلند و پنجاه و شش داستان کوتاه است. درباره اهمیت این داستان‌ها و تأثیر آنها بر ادبیات پلیسی مطالب بسیاری گفته و نوشته شده است و نگارنده قصد ندارد که به تکرار مکررات بپردازد. خوانندگان علاقه‌مند به این موضوع می‌توانند به مقالات یا کتاب‌هایی که به ادبیات پلیسی و تاریخچه آن می‌پردازند مراجعه کنند. مطالعه پیشگفتار مرحوم کریم امامی که بیست و چهار داستان کوتاه از این مجموعه را ترجمه کرده (انتشارات طرح نو) همچنین پیشگفتارهای خانم مژده دقیقی که مترجم چهار داستان بلند و دوازده داستان کوتاه این مجموعه (چاپ انتشارات هرمس، کتاب‌های کاراگاه) است مفید خواهد بود. آنچه نگارنده لازم می‌بیند به آن اشاره شود شامل دو مطلب است.

اول اینکه دو داستان در کل این مجموعه وجود دارد که راوی آنها برخلاف پنجاه و هشت داستان دیگر دکتر واتسن، دستیار هولمز، نیست بلکه خود هولمز است. این دو داستان عبارتند از "سرباز رنگ‌پریده" و "یال شیر" که در کتاب حاضر آمده‌اند. شرلوک هولمز در چند جا شیوه روایت واتسن را به باد انتقاد می‌گیرد و وعده می‌دهد که روزی خودش به این کار خواهد پرداخت. مثلاً در داستان "ابی‌گرنج" می‌خوانیم:

واتسن، شیوه روایت تو مایه تأسف است اما باید قبول کنم که تو قدرتی در گزینش داری که تا حد زیادی این ضعف را جبران می‌کند. این عادت

## هشت سرباز رنگ پریده

مخرب تو که به همه چیز از نظرگاه داستانی نگاه می‌کنی تا کنکاشی علمی، آنچه را که می‌تواند آموزنده و حتی نمونه‌ای کلاسیک باشد زایل می‌کند. تو از کنار منتهای ظرافت و دقت کار می‌گذری تا به جزئیاتی احساسی بپردازی که ممکن است هیجان‌انگیز باشد ولی به احتمال قوی برای خواننده آموزنده نیست.

من با کمی تکدر خاطر گفتم:

— چرا خودت آنها را نمی‌نویسی؟

— واتسن عزیز، این کار را خواهیم کرد، حتماً این کار را خواهیم کرد.

بدین قرار است که دو داستان فوق از زبان هولمز روایت می‌شود اما حاصل کار تفاوت چندانی با داستان‌های دیگر ندارد و حتی در همین دو داستان، هولمز از توانایی واتسن در روایت مؤثر داستان یاد می‌کند. شاید کائن دوپل می‌خواهد بدین طریق از شیوه روایت خود دفاع کند و به منتقدین احتمالی بگوید که این شیوه را مناسب و درخور می‌داند. با توجه به اینکه این دو داستان از نظر تاریخ نگارش نیز جز آخرین داستان‌های مجموعه است در آخر کتاب حاضر آمده‌اند. دوم اینکه کائن دوپل شخصیت داستانی خود، شرلوک هولمز را که انسانی کارآمد و متبحر و تیزهوش و آگاه به دانش زمان است به مدد مطالعات فراوان، چه در حوزه علوم تجربی و چه در حوزه علوم انسانی خاصه مسائل قضایی، خلق می‌کند. چنانکه داستان کوتاه «مردان رقصان»<sup>۱</sup> با الهام گرفتن از شیوه کار و دستاوردهای دانشمندان و پژوهشگران موفقی نوشته شده است که با کشف رمز خط میخی فارسی باستان دریچه‌ای به شناخت دنیای باستان گشودند. در این داستان هولمز ابتدا به جمع‌آوری نمونه‌های هرچه بیشتر از خطی رمزی که به مردانی رقصان شباهت دارند می‌پردازد و آنها را با دقت تمام بررسی و مقایسه می‌کند. سپس به کسب اطلاعات جنبی همت

---

۱. آرتور کائن دوپل، «مردان رقصان و داستان‌های دیگر»، ترجمه حشمت‌الله صباغی، تهران، انتشارات هرمس، کتاب‌های کارآگاه، ۱۳۹۵.

## پیشگفتار نه

می‌گمارد و سرانجام با ابتکار و خلاقیت به حدس زدن هوشمندانه دست می‌زند. در واقع خاستگاه نوع ادبی پلیسی که کائن دوپیل از نویسندگان برجسته آن به شمار می‌رود پیشرفت علم و تکنولوژی در اواخر قرن نوزدهم است. اما باید توجه داشت که گسترش موضوعات علمی و تسری دادن آنها به میان مردم و همگانی کردن آنها به یمن چنین آثاری محقق شده است. خلاصه کلام اینکه داستان‌های شرلوک هولمز روشی منطقی و عاری از خرافات را برای حل مسائل انسانی معرفی می‌کند. شناخت مسئله به طور دقیق و عمیق، جمع‌آوری اطلاعات مرتبط و استفاده از امکاناتی که در دسترس است و پرهیز از قضاوت‌های عجولانه و جهت‌همت شرلوک هولمز است و در دنیای ما کیست که به این شیوه نیازمند نباشد.

حشمت‌الله صباغی  
اسفند ۱۳۹۵



## ابی گرنج

سحرگاه شبی بسیار سرد در اواخر زمستان سال ۱۸۹۷ که سرمای هوا آدم را منجمد می‌کرد کسی چنان شانه‌ام را تکان داد که از خواب بیدار شدم. هولمز بود. روی من خم شده بود و شمعی در دست داشت که نور آن روی چهره بی‌قرارش افتاده بود. با نگاهی به من فهماند که کاری فوری پیش آمده است. او گفت:

– بجنب واتسن، بجنب! کاری پیش آمده! یک کلمه هم حرف نزن! لباس را بپوش و راه بیفت!

ده دقیقه بعد هردو سوار درشکه‌ای بودیم و از خیابانهای خلوت با سرعت به طرف ایستگاه چارینگ کراس می‌رفتیم. اولین طلوعه بی‌رمق سحرگاه زمستانی داشت فرا می‌رسید و ما گاه گاه می‌توانستیم شبیح کارگری سحرخیز را که از کنارمان می‌گذشت در هوای دودآلود و تاریک روشن لندن به صورتی تار و مبهم ببینیم. هولمز ساکت و خاموش خود را در پالتوی کلفتش جمع کرده بود و من هم از خدا خواسته همین کار را کرده بودم چون هوا بسیار سرد بود و ما صبحانه هم نخورده بودیم. این وضع ادامه داشت تا اینکه در ایستگاه قطار چای داغی خوردیم و در جایمان در قطار کنتیش مستقر شدیم. تازه در این موقع بود که کمی یخمان باز شد و هولمز توانست لب به سخن باز کند و من هم توانستم به حرف او گوش بدهم. یادداشتی از جیبش درآورد و آن را بلند خواند:

ابی گرنج، مارشام، کنت، ۳ و ۳۰ دقیقه صبح

هولمز عزیز - ممنون می‌شوم برای رسیدگی به پرونده‌ای که بسیار مهم به نظر می‌رسد از کمک فوری شما برخوردار شوم. این پرونده کاملاً در خط کاری شماست. مراقب هستم که غیر از اقدام به نجات بانو همه چیز دقیقاً به همان صورتی که یافته‌ام بماند. اما خواهش می‌کنم این است که یک لحظه هم درنگ نکنید چون تنها گذاشتن سیر یوستیس در آنجا هولناک است. ارادتمند شما  
استانلی هاپکینز

هولمز گفت:

- هاپکینز هفت بار مرا فراخوانده و هر هفت بار کارش کاملاً قابل توجیه بوده. گمان می‌کنم تک تک پرونده‌های او راهشان را به مجموعه تو باز کرده‌اند. واتسن، شیوه روایت تو مایه تأسف است اما باید قبول کنم که تو قدرتی در گزینش داری که تا حد زیادی این ضعف را جبران می‌کند. این عادت مخرب تو که به همه چیز از نظرگاه داستانی نگاه می‌کنی تا کنکاشی علمی، آنچه را که می‌تواند آموزنده و حتی نمونه‌ای کلاسیک باشد زایل می‌کند. تو از کنار منتهای ظرافت و دقت کار می‌گذری تا به جزئیاتی احساسی پردازی که ممکن است هیجان‌انگیز باشد ولی به احتمال قوی برای خواننده آموزنده نیست.

من با کمی تکدر خاطر گفتم:

- چرا خودت آنها را نمی‌نویسی؟

- واتسن عزیز، این کار را خواهم کرد، حتماً این کار را خواهم کرد. در حال حاضر همان‌طور که می‌بینی سرم خیلی شلوغ است اما در نظر دارم که سالهای فراغتم را به تألیف کتاب درسی‌ای در یک جلد اختصاص دهم که تمرکزش صرفاً بر هنر کارآگاهی باشد. ظاهراً تحقیق فعلی ما درباره یک قتل است.

- پس فکر می‌کنی این سیر یوستیس مرده است؟

- به نظرم این طور است. در نوشته هاپکینز تشویش زیادی دیده